

مسافران گذرگاه، هستی

تألیف:

اسمعیل قمری



انتشارات آرون

سرشناسه	: قمرنژاد، اسمعیل، ۱۳۳۱
عنوان و نام پدیدآور	: مسافران گذرگاه هستی / مولف: اسمعیل قمرنژاد
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۳۱ - ۴۰۱ - ۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Short Stories, Persian - 20th century
رده‌بندی کنگرد	: ۱۳۹۵ م ۵ ۳۶ م / PIR۸۳۵۷
رده‌بندی دیویی	: ۸۳۳/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۵۶۳



مسافران گذرگاه هستی

مؤلف: اسمعیل قمرنژاد

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

۱۲۰۰۰ تومان

((بنام یگانه زیبنده واژه جادویی و سحرآمیز عشق))

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 در بندرگاه
۲۱	 در کشتی
۳۰	 تخته‌ای شناور روی آب
۳۵	 وضع غیر عادی در مقصد پناهجویان
۳۶	 اسکان پناهجویان در چادرهای صلیب سرخ
۴۵	 مأموریت برای فریاد
۴۶	 تأثیر انرژی‌های انسان‌ها به همدیگر
۵۳	 درمان با هیپنوتیزم
۵۹	 قفل شدن ذهن
۶۳	 رفتن فریاد از کمپ
۷۰	 رجوع به عقل راهنما
۷۶	 نامه فریاد به صحرا

- پذیرش پناهندگی برای تعدادی ۸۱
- پاسخ نامه فریاد توسط صحرا ۸۹
- حمله هوایی به کمپ ۱۰۲
- عزیمت صحرا به منزل ناخدا ۱۰۴
- آشنائی صحرا با مدیر مهد کودک ۱۰۸
- مجسمه سرباز ۱۲۱
- صحبت با مجسمه سرباز ۱۲۳
- انتقالی گرفتن سرباز به شهر مجسمه ۱۲۵
- نی لبک نواز در منزل ناخدا ۱۳۶
- سخنان مجسمه به نی لبک نواز ۱۴۱
- فرازمینی‌ها ۱۴۶
- تخلیه اردوگاه ۱۵۷
- مراسم ازدواج در کنار مجسمه ۱۵۸

مقدمه:

ساس خالق هستی را که باری دیگر مجال نگارش به این حقیر،
عزیز فرمود و درود به شما خوانندگان عزیز که هماره اینجانب را مورد
لطف و عنایت خود قرار می‌دهید و موجب ایجاد انگیزه برای نوشتن
می‌شوید. این بار بن دارم پا را قدری فراتر نهاده و با تکیه به قوه تخیل
از سیاره زمین خارج شوم و شما را با خود به آن سوی آفاق بکشانم تا با
هم شگفتیها و زیباییها را نظاره کنیم.

با وجودی که دکارت تخیل را نادرست می‌داند و اسپینوزا کمی
تندتر آنرا انحراف و گناه می‌انگارد درحالی که هایدگر بزرگی و عظمت
کانت را در قوه تخیل او می‌داند.

و من هم تصور می‌کنم باید مجال پرواز به قوه تخیل خود بدهیم.
تخیل نوعی فرضیه است. مگر نه اینست که در تئوری - رائم اتفاق افتاده
در سیاره زمین، پلیس فرضیه‌های مختلف را بررسی می‌کند تا با جمع -
آوری همه گمانه زنی‌ها نهایتاً به حقیقت پی برده و کشف جرم می‌نماید.
چه بسیار علومى که پس از کنکاش انواع فرضیه‌ها کشف گردیده‌اند و

این واقعیتی انکار ناپذیر است. ادیسون پس از آزمایش نهصد و نودونه فرضیه بالاخره موفق به کشف نیروی الکتریسیته گردید.

به هرحال محوریت این نگاشته را بر این نکته قرار می‌دهم که سیاره زمین فقط یکی از گذرگاه‌های تکامل ما آدمیان است. تکامل یعنی از مرتبه بودن به مرتبه شدن، نائل شویم؛ یعنی هر آنچه که هستیم، خوب، سهم رلی آنچه که باید بشویم چیست؟

و تصویر رزی بد با همین تفکر ترسیم گردیده و اینکه گفته می‌شود ما از خدائیم و لا بجزم سوی او بازخواهیم گشت قطعاً مراحمی دارد. من در این کتاب به موانع و اسرار آتی که ما آدمیان گرفتارش شده‌ایم و به عبارتی گرفتارمان کرده‌اند می‌پردازم.

عزیزانی که کتابهای قبلی‌ام ((پرواز به سوی مینو، پسرک نقره فام، شکوه وصال)) را مطالعه کرده‌اند، بخوبی از اندیشه‌ای من آگاهی دارند و من مطالبی را در قالب تمثیلهای و حکایات فریاد زده‌ام. اما دریغ که اشک‌های بچه ماهی توی آبها ناپیداست و فریاد او توی دریا، یک فریاد بی‌صداست. آنگاه که کتاب را به کسی اهدا می‌نمایم پس از گذشت مدتها متوجه می‌شوم که حتی ورقی را هم مطالعه نکرده. عجیب است ما آدمیان وقتی از وعده صرف ناهارمان قدری بگذرد از زمین و زمان طلبکاریم و غافل از این مهم که مطالعه و کسب آگاهی هم روان ما را تغذیه می‌کند. تو گوئی فقط زاده شده‌ایم تا کالبد جسمی‌مان را با رنگها و نیرنگ‌ها بیروانیم و اوقات طلایی تکرار ناشدنی را به بطالت سپری کنیم.

پیشاپیش از کلیه هنرمندان راستین و قهرمانان ورزشی و کلیه افرادی که شاید تصور کنند قصد اهانت به آنان را دارم دلجوئی می‌نمایم لیک باید صادقانه بگویم هرگز چنین نیتی ندارم فقط بر این باورم که زیباترین تعریف برای واژه عدالت جای گرفتن هر چیزی و هر شخصی در جایگاه واقعی خود است و افراط و تفریط در پرداختن به ارزشها نوعی بی‌عدالتی است. احقاق حق فردی یا جماعتی که مورد بی‌عدالتی واقع گردیده‌اند یا به عبارتی مظلوم واقع شده‌اند نیز از اهداف نگارش این کتاب نیست چراکه به‌نظر اینجانب این اکثریت قریب به اتفاق انسانها هستند که از اصلها منحرف گردیده‌اند و حتی کسانی که به این انحرافات دامن می‌زنند تا برای چند روزی منافع شخصی‌شان حفظ گردد خوب نیز ضرر می‌گردند و جایگاه واقعی خود را به عنوان اشرف مخلوقات در چرخه کائنات از دست می‌دهند و به‌قول ماهاتما گاندی آن بزرگ مرد هندی، تر (تسید) اولین ضرر را به ظرفش می‌رساند)).

عده‌ای با سوق دادن توده مردم به دل‌شغولی‌های کم ارزش و جزئی و بزرگ نمائی آنها، ما آدمیان را در غفلت بیشتر می‌پسندند.

دارسی اولین دارنده امتیاز کمپانی نفت در جنوب ایران هنگام عبور از خیابانی شخصی را در حال اذان گفتن مشاهده می‌کند از همراهانش می‌پرسد او چه می‌گوید؟ آنها اظهار می‌دارند او در حال اذان گفتن است و توضیح می‌دهند که اذان یکی از مراحل مذهبی آنهاست. اگر شما مخالفید مانع شویم ولی دارسی می‌گوید نخیر بگذارید به این کار

مشغول باشد و راجع به نفت صحبتی نکند. ولی مدتها بعد متوجه می‌شوند مذهب هم می‌تواند از غارت اموال مردم جلوگیری به عمل آورد به همین دلیل انحراف در مذاهب را در قالب تشکیل گروه‌های تروریستی و تکفیری سازماندهی می‌کنند و مشغول کردن مردم به شکل‌های مختلف در دستور کار غارتگران قرار می‌گیرد. دانش و پیشرفت‌های تکنولوژی را فقط در انحصار خود می‌خواهند و با داشتن رسانه‌های فراوان ارزش‌ها را جابجا می‌نمایند.

دختر خانمی به نام المیرا نجوم موفق به کسب مدال طلا شده بود گله‌مند بود که هنگام مراجعت به کشور بجز والدینش و دوستانش کسی به استقبال او نرفته بود ولی شما توجه کنید اگر یک ورزشکار در رشته‌ای مدال طلا کسب کند چه اتفاقی می‌افتد از ساعت‌ها قبل محل فرودگاه مملو از جمعیت می‌شود و به منظر ورودش حلقه گل به گردنش آویزان کرده و او را روی شانه‌هایشان تا مساحتی حمل می‌کنند و این پایان ماجرا نیست از فردای آن روز افتخار است برای کسانی که در کنارش عکس یادگاری بگیرند و یا او تکه کاغذی را امضا خود برسم یاد بود به کسی اهدا نماید و این باز هم پایان ماجرا نیست دیگران برای رسیدن به موقعیت ممتاز او به هر دری می‌زنند پول‌های کلان هزینه می‌کنند و از مقامات برای پارتی بازی سوءاستفاده می‌نمایند که مثلاً در لیست منتخبین مربی‌ها قرار بگیرند و از این رهگذر چه حق‌هایی از شایسته‌های واقعی ضایع می‌گردد که شما نمونه‌های فراوانی حداقل در ورزش فوتبال شنیده‌اید. اساساً ورزش عمل بسیار صحیحی است و برای سلامتی جسم بسیار ضروریست ولی بحث

انحراف از اصل‌هاست و سرگرم کردن توده‌ی مردم برای غافل شدن از ارزش‌های بالاتر هدف عده‌ایست.

همه‌ی این اتفاقات چه عواقبی در پی دارد؟ اول اینکه ما بجای اندیشیدن به چرایی زیستن با رویدادهای کوچک خود را مشغول نمائیم، دوم دانش و آگاهی فقط در انحصار عده‌ای قرار گرفته که هر جا و هر زمان از آن در جهت تسلط به مردم سیاره زمین بهره برداری نمایند و با ایجاد بیماری‌هایی نظیر زیکا، ابولا، سارس و غیره مردم را گرفتار کنند و صد البته درمان نیز در اختیار آنهاست. سوم، ثروت نیز در اختیار آنهاست و با تکیه به این مولفه‌ها مردم را بیشتر و بیشتر تحت سلطه داشته باشند.

آری این نمونه کوچکی بود از موانع و انحرافات که ما را از اهداف آفرینش باز دارد و در چرخه کائنات به آن کسی که با کشتی، برف به جزیره‌ای حمل می‌کند که در آن جزیره هیچوقت برف نمی‌بارد تا روی برف اسکی کند و آن خانواده بی‌بضاعت که از فقر، دختر بچه شش ساله‌اش را که وقت عروسیک بازنه‌اش به روسپی خانه‌ها می‌فروشد و یا کسی که برای رفع نیاز مالی‌اش مجبور به فروش کلیه‌اش می‌شود. همه بازنده‌ایم این درد را کجا باید برد؟ ضمن اینکه همان منحرف کنندگان، افق دید ما را هم محدود می‌پسندند و وابستگی شدید به محله‌مان، روستایمان، شهرمان، ایالت‌مان و کشورمان ترغیب می‌شویم البته دوست داشتن محل زندگی امری پسندیده است اما نهادینه کردن و جا انداختن اینکه جهان و دنیا همین سیاره زمین است

محدود نگری است و در مقایسه با کائنات و عظمت کیهان سیاره زمین بسیار بسیار کوچک است.

خوانندگان عزیز اگر در حال مطالعه به مطلب یا مطالبی برخورد کردید که با افکار شما مغایرت دارد و یا از توان شما خارج است مایوس نشرید. سرچقدر که توانستید مطالب را هضم نمائید و بدانید که آدمی دائم در حال سفر است از گهواره تا گور، این سفری است کوچک در سیاره زمین و سفری بزرگتر همان مقصود این کتاب است ((مسافران گذرگاه هستی)) ضمناً تذکر برخی عبارات به خاطر اهمیت ویژه آنهاست.

با آرزوی توفیق تابستان ۹۵

اسماعیل مهرنژاد